

## شهادت در امور مدنی و کیفری

انتقال حقیقت امری از ناحیه فردی که آنرا دیده و شنیده باشد به فرد دیگری که آنرا ندیده و نشنیده است شهادت گویند .

پس شهادت عملی است که هر فردی حقیقت امری را که نسبت بآن اطلاعات شخصی دارد گواهی داده و آنرا در معرض استفاده دیگران برای کشف حقیقت قرار میدهد .  
انسان اولین طریقه اثبات دعوی را تسک بگواهی گوا. آن قرار داده زیرا قبل از اختراع خط بگانه وسیله ای که برای اثبات دعوی و با دفاع از آن بکار میرفت استناد بشهادت شهود بود .

### شهادت در مذهب یهود

در کیش یهود در امور قضائی برای شهادت شهود اهمیت زیادی قائل بوده و این ها عزر و هوشن هیشپات که ناشرین شریعت کلیم بودند مقرراتی در قسمت شهادت شهود جمع آوری کرده و در تورات هم مسطور است که کلیه دعای مدنی و حقوقی از طریق شهادت شهود میگرفت و هیچ عقد و قراردادی بدون حضور گواه دربار طرفین نافذ و معتبر شناخته نمیداد ولی زنها مجاز نبودند که در امر شهادت دخالت نمایند و این عمل فقط بوسیله مردان صورت می گرفت .

### شهادت در حقوق روم

در حقوق روم شهادت غیر مستقیم اعتباری نداشت شرط اصلی شهادت این بود که شاهد شخصاً ناظر واقعه باشد و آنرا دیده و یا شنیده باشد و شهادت واحد کافی برای اثبات امری در امور کیفری و مدنی نبود .  
رومی ها علاوه بر مرد ها بزنان نیز اجازه می دادند که در ادای شهادت شرکت نمایند .

### شهادت در حقوق ایران باستان

در ایران باستان مرد کجا اعتماد زیادی با اقوال هم کیشان خود داشته و یک ارزش استثنائی برای گفتار آنان قائل می شدند شهادت برادر را برای برادر دیگر و شهادت زن را برای شوهر بدون در نظر گرفتن درجه قرابت و خویشاوندی قبول کرده و بآن ترتیب اثر می دادند . و طرز استماع شهادت شهود بدین نحو بود که اول خواهان شهود خود را معرفی مینمود و برای اینکه شهادت مؤثر باشد عده شهود باید در حدود سه نفر بوده باشد ولی نسبت بهر دعوائی از نظر کمیت و کیفیت عده شهود بتفاوت ربه تراید با تقصان میرفت .

در امور بنگه در بهایان یا بصرا واقع می‌شد بشهادت بگنفر اکتفا می‌کردند و تعداد شهود در امور دیگر بدواً ده نفر مه‌رسید و اگر تعداد شهود بده‌گانی نبود کسری آنها با ادای مراسم تعالیف از طرف شهود جبران می‌شودند .

اگر خواهان که آنها بی‌ایمال می‌گفتند شکایاتی را نزد قاضی طرح می‌نمود و قاضی خواهنده بی‌ایمال را احضار می‌کرد و خواهان تاموقع شب انتظار خواهنده را می‌کشید و دومرتبه خواهنده از طرف داور یا قاضی احضار می‌شد تا اگر پس از گذشتن سه روز خواهنده حاضر نمی‌شد با ازدادن پاسخ همراستکالی می‌نمود هر روز از غیبت خواهنده بنزله یکشاهد بفتح خواهان تلقی می‌گردید .

### شهادت در حقوق فرانسه

شارلشم در نوامبر ۱۳۹۴ فرمانی صادر نمود و با افراد اجازه داد که در امور مدنی و کیفری شهادت دهند ولی ارزش شهادت زنان کمتر از شهادت مردان بود و روش قضائی آنان مبتنی بر این بود که ارزش شهادت سه‌تفری را بری باشهادت دومرد می‌نمود . بگی از صفات شهود در آندوره آزادی عمل بود و نیز گواهان بایستی متصف بحسن شهرت و حسن اخلاق بوده باشند شهادت کتیزان و غلامان و مردان و زنان بدعمل و فاسد بپیچوجه مسموع نبود و آنان ترتیب اثر داده نمیشد در ژرمن‌ها شهادت معمول و رایج بوده و اصول و قواعدی نسبت بحلحیت آنان وجود نداشت افار ب و خویشانندان اصحاب دعوی می‌توانستند نسبت بان امور شهادت دهند و ارزش شهادت بستگی با کمیت و تعداد آن داغته و از امور کمی محسوب می‌شد .

در قرن ۱۸ و ۱۹ دادرسان در امور جزائی باستماع شهادت شهود پرداخته ولی انجام این عمل را یکی از امور بدین ابلاغ و یا اجراء و یا صاحبان محاضر معمول نمودند .

فرمان ۱۴۹۸ مقرر بر این قسمت بود که دادرسی باید بطور سری صورت گرفته و هیچکس از جریان آن مطلع نگردد

در قرن ۱۸ نویسندگان جدا در مقابل این اعمال قلم‌فرسائی کرده و بکار بیا (beccaria) در کتاب جرم و مجازات خود می‌گوید که قاضی قابل ملازمت بصحت و سنم دلایل در حضور اصحاب دعوی رسیدگی نماید .

### شهادت و شرایط آن

استماع شهادت شهود اصولاً باید با کمال حزم و احتیاط صورت گیرد زیرا اغلب شهادتها با نفسانیات و شهوات و توهمات و نفس اعضاء انسانی و حواس و با کمی هوش و حافظه صورت می‌گیرد ولی در بعضی از موارد شهادت افراد بکانه طریقه تحقیق و کشف حقیقت بوده و قضات و سایر دیگری در دست ندارند که با اعمال گذشته که در حضور آنان واقع شده رسیدگی نمایند مگر باستناد اظهارات افرادی که شاهد آن واقعه بوده‌اند .

برای استنباط ارزش شهادت نکات زیرین را باید در نظر گرفت :

۱- سنخ امور و اعمالی که مورد اثباتست .

۲- اوصاف شخص شاهد .

۳- روابط و تناسب گواهیها باهم و عدم وجود تعالیف و تباین بین آنها .

زیرا شهادت از امور کیفی است نه کمی بتعداد شهود نباید توجه داشت بلکه بیشتر باید بارزش شهادت توجه نمود گوش و چشم باید تصاویر و اعمال و افعال مردم را درک کند تا موجب حصول اطلاعات کامل شود .

شهادت روی مسووعات دیگران تحت شرایط زیرین قابل قبولست .

۱- مطلع باید اطمینان حاصل نماید که شخص گوینده خود واقعه را دیده و شنیده باشد نه اینکه اقوال او متکی با اقوال دیگران باشد .

۲- معرفت کامل بهویت گوینده داشته باشد .

۳- گویندگان باید قابل اعتماد بوده و لافل عده آنان ازین نظر بیشتر باشد .

فوائین امروزه اعتبار شهادت شهود را در عداد مستنبطات قاضی قرار داده و هیچگونه تعدیدی برای آن که از اختیارات کلی و مستقیم دادرسانست قائل شده اند .

شاهدی که میانی شهادت او اقوال دیگرانست نمیتواند ادای شهادت کند مگر اینکه دست دوم باشد .

هو و جنجال نباید در امر شهادت دخالت یابد و اینگونه اطلاعات تأثیر قضایی نغواند داشت .

دادرس باید تمام اظهارات گواهان را با هم مقایسه و تطبیق نماید که آبا این اظهارات با هم سازگار هستند یا نه و در صورت تایین و اخلاف آنرا فوراً رد نماید .

شاهد باید گواهی خود را بصورت قطع گفته بدون اینکه تردید و یا ابهامی در بیانات او باشد و بی مجاز نیست که شهادتش متکی بر عقاید شخصی او بوده باشد شاهد آنچه را که حواس او درک کرده باید بطور ساده بیان نموده و از گرفتن نتیجه احتراز جوید زیرا ممکنست قضایا حقیقت داشته باشد ولی نتایج حاصله از آن صحیح نباشد در اینصورت نباید مستنبطات خود را گفته و اطلاعات و مشهودات خود را تفسیر و تعبیر نماید .

شاهد نباید نسبت با آنچه گواهی میدهد بحث و مشاجره کرده زیرا در صورت خروج شاهد از وظیفه شهادت شاهد بصورت کمک یکی از اسباب دعوا در خواهد آمد .

شهادت ملازمه با تماس و رابطه با اشخاص دارد و هر عمل و بیان حقیقت که مغز و دماغ انسان را متوجه با عقدا کامل بوجود حقایق دیگر اعم از مثبت با منفی نماید شهادت گویند .

شهادت اهمیت بسزائی در حیوان بشر داشته و در نتیجه این عمل محصول حواس و حافظه نسای گذشته و عناصر در اختیار هر فردی گذاشته شده و در آن واحد میتواند آنرا در هر زمان و مکانی بسط و توسعه دهد .

شهادت نه فقط پایه و اساس تاریخ را تشکیل میدهد بلکه اغلب از سازمان های اجتماعی مخصوصاً قضایی روی این اصل استوار شده است .

شهادت و تجربه و استدلال یکی از منابع سه گانه معلومات بشریست .

شهود و مظهرین چشمان و شنوش های عدالتند .

حقیقت امور در عداد اموال مشترك افراد بوده و هیچکس نباید از تقوه به آن در موقع لزوم خودداری نماید زیرا بیان هر حقیقتی که مورد نیاز عدالتی جامعه است در حکم انجام یکی از خدمات عمومی است .

اصولاً هر کسی از لحاظ اظهار حقیقت به یون دستگاه اجراء عدالت بوده و در هر موردی که از طرف اشخاص ذیصلاحیت برای ادای توفیق است و بیان حقیقت دعوت میشود ملازمست از بیان حقایقی که بدان توفیق و اطلاع دارد شاهد عالی برده و اطلاعات خود را در دسترس آنان گذارده تا بدین خود را از هر جهت نسبت با اجتماع ادا نماید زیرا دادرسان و دادستان ها و بازرسها موقفی میتوانند اجرای عدالت کنند که نسبت با امور و قضایای مطروحه که ما خود برسیدگی شده اند روشن باشند تا حقایق مکشوفه را مبنای آراء و تصمیمات خود قرار دهند .

با این فاعله و اصل از نظر حفظ اسرار شغل و حرفه‌ای و کلای دادگستری - دادرسان - مامورین دفتری قضایی - اطباء - جراحان - قابله‌ها - دوا فروشان - مامورین صحی و علماء روحانی مستثنی هستند زیرا علاوه بر اینکه بدکر حقایق و اسرار اینکه بناسبت شغل و حرفه بآنان سپرده شده است ملزم نیباشند بلکه در صورت افشاء اسرار مردم مستوجب تعقیب کیفری خواهند بود - اظهارات گواهان که از معلومات و اطلاعات آنان استفاده میشود در حقیقت عناصر و عوامل قطع و یقین دادرسان را تشکیل میدهد ولی مناسبانه در اغلب موارد سست و بی‌اساس بوده و دادرسانرا با شنباه میانه‌ازد زیرا گوش و چشم مورد خطاهای زیادی هستند مثلاً اگر ده نفر که ناظر صحت واقعه و امری هستند و هر کدام خاطرات و یادبود گوناگون خود را بخواهند اظهار نمایند طوری باهم اختلاف دارد که مثل آنست که ده واقعه بوقوع پیوسته و هر ده فقره شهادت بطوری غیر ممکن التحویل بوده که نمیتوان آنها را تحویل بواحد نمود

علت خطاهای انسان و اشتباهات او اینست که روح و عقل او بقول یکی از فلاسفه گرفتار تن بوده و حواس و تغیلات و تمایلات و نفسانیات با شهوات در فهم و عقل او مداخله کرده و یک سلسله خطاها و اشتباهات برای او دست میدهد .

انسان امور و اشیاء را بسه وجه ادراک میکند .

- ۱ - فهم .
- ۲ - خیال .
- ۳ - حواس .

### فهم

نوه درک امور و افکار را فهم گویند .

فهم مافوق حواس و تغلیست فهم با افکار کلی داده که منبعث از افکار جزئی میشود . عمل فهم عبارتست از درک و اطلاع اشیاء زیاد و متنوع و آنچه را که از حواس ببادست میدهد اهم آزمادی و معنوی و محسوس و غیر محسوس - از طریق فهم درک امور معنوی بیشتر از مادی و محسوس صورت میگیرد و حاصل شدن مفهومات نتیجه فعالیت فهم است که در ذهن تصورات پراکنده را متحد کرده و تصویر کلی میسازد و اغلب متوجه امور کلی و انزاهای و علم بمجردات است . و معدود بودن فهم امور را بر انسان مشتبه می‌سازد چرن از معدود بودن فهم غافل میباشد و گمان میکند میتواند با علم خود بر امور عالم احاطه پیدا نماید و همین حس سبب اشتباه و خبط و خطا و گدراهی او میشود .

ایجاد مفهومات در فهم انسان بواسطه اینست که از چند نیر و سرچشمه میگیرد ولی نقائصی که در هر یک از این نیروها پیدا شود موجب اشتباه و خطا خواهد شد .

- ۱ - ادراک که نخستین مرحله علمت .
- ۲ - نیروی حفظ که معلومات را در ذهن نگاهداشته و در موقع خود بخاطر آورده و بکار میندازد .
- ۳ - قوه تمیز که معانی را از یکدیگر جدا کرده و تشخیص تناسب آنها را با یکدیگر می‌دهد .
- ۴ - سنجش که بواسطه آن ذهن دو یا چند شیئی دوو یا چند نکر را بهم نزدیک نموده تا روابط و بستگی‌های آنها را با یکدیگر بدست آورد .
- ۵ - ترکیب و تالیف که معانی بسیدلی را باهم ترکیب کرده و معانی مرکب میسازد .

۶- تجرید با انزاع که يك معنای جزیرا که از مشاهده یکفرد معلوم شده از مقارناتی که همراه دارد جدا میکند و مفهوم کلی میسازد .

### تخیل

قدرت و نیرویی که اشیاء را در ذهن بکیفیتهای ترسیم میکنند که در مقابل حواس قرار گرفته و حال آنکه در غیاب حواس بوده و با عاری از حقیقت خارجی میباشد تخیل گویند .

در تخیل سه عامل را باید در نظر گرفت :

۱- خاطره و یاد برد که آنرا مصالح تخیل گویند .

۲- تجرید که با مطالعه و مقایسه عوامل مختلفه این عمل صورت میگیرد .

۳- حکم بقبول یا رد آن .

قدرت تخیل که بیروی از اصول تدهای ممانی یعنی تجرید خاطره است نسبت به هر کس فرق میکند و در هر سن متفاوت است در دوره جوانی بیشتر ظاهر میشود و این امر بستگی کامل با ساختمان بدن و عادت و تربیت دارد . تخیل یعنی نامرئی را مرئی کردن و نامتناهی را متناهی نمودن .

عمل تخیل در غیاب اشیاء صورت گرفته و از طریق تخیل انسان موجودات مادی را که از نظر وی غایب هستند درک کرده و بقاء خود تصاویری ساخته و آنها را بتدریج خود حاضر میسازد و تخیلات جز در زمان و مکان صورت نمیگیرد .

هر قدر تخیل بصورت حقیقت در آید جنبه فن را تشکیل میدهد و در تاریخ بشریت تخیل مقام بلندی را حائز بوده زیرا بدون تخیل ترقیات صنعت و علوم امر محال خواهد بود .

تخیل بصورت خواب و کابوس هم در آمده و حتی اگر تخیل از حد اعتدال خارج شود منتهی بمرض تجسم خیال و باجنون و امراض دماغی خواهد شد .

### حواس

نیرویی که ذهن را با عالم خارج مربوط ساخته و معلوماتی بدست انسان میدهد حواس نامیده میشود .

از طریق حواس تأثیرات و تصورات را حضورا می توان درک نمود زیرا آغاز علم انسان حس است که صورت هائی از اشیاء در ذهن نقش میکند و قوه عقل را بر می تازد تا آن صورتها را هم نتیجه و وصل قدرل نماید .

حواس را نباید علم و حقیقت پنداشت حواس مناسبات تن را با عالم خارج بخوبی معلوم و محفوظ مینماید و نمایهای حواس حقیقت نبوده فقط تصاویری که در ذهن از حادثات و عوارض جهان نقش میشود تصور نوعیه و عرضیهائی که ما برای اشیاء فرض میکنیم حقیقت ندارد و لذت و المی که از تأثیر اشیاء درک می کنیم در حقیقت از آنها نیست احوال نفس خود ماست پس خطاها و اشتباهاتی در فهم و تخیل و حواس دست میدهد که تأثیر زیادی در اداء وظائف خواهد داشت .

تأیلات هم در طبع انسان مهر و کین ایجاد میکنند و مهر و کین حجاب فهم است و آنرا تیره میسازد که نمی تواند حقیقت را بدرستی ادراک نماید .

نفسانیات از تأیلات قویتر و تأثیرشان زیادتر میباشد و بیشتر در مرض اشتباه واقع میشوند پس خطاها و اشتباهات به پنج طبقه صورت میگیرد :

۱- خطاهای فهم .

۲- خطاهای تخیل .

- ۳- خطاهای حواس .
- ۴- خطاهای نمایلات .
- ۵- خطاهای نفسانیات و با شهوات .

### عوامل مؤثر در پیدایش شهادت

عواملی که موجب خطا و اشتباهات انسان در ادای شهادت میشود بقدری زیاد است که این مقاله گنجایش آنرا بنحو تفصیل نخواهد داشت فقط بذکر اسمی و نواقص باره از آنها اکتفا میشود. عوامل مزبور از قرار زیرند :

- ۱- بغض ۲- حسد ۳- کینه ۴- نفع شخصی ۵- افکار سیاسی ۶- افکار مذهبی ۷- علاقه ۸- اکراه و تنفر ۹- اختلاف مزاج ۱۰- القابات ۱۱- اضطراب و هیجان روحی ۱۲- عدم دقت ۱۳- کمی حافظه ۱۴- بد زمان ۱۵- بدمکان ۱۶- سن ۱۷- اختلاف نوع ۱۸- طفولیت و بزرگی ۱۹- ضعف حواس ۲۰- امراض عارضه روح و حواس ۲۱- ضعف جسم ۲۲- ضعف و اختلالات روحی ۲۳- ضعف فهم ۲۴- تخیل زیاد ۲۵- عادت ۲۶- توهم ۲۷- محیط زندگی ۲۸- مفاهیم اعمال باغیاب زمان و مکان از نظر حسن و قبح ۲۹- اختلاف صفات و روحیه اشخاص ۳۰- تربیت ۳۱- تعلیم ۳۲- اختلال در قسمت تناسلی ۳۳- استمناء ۳۴- اختلال در رفتار و حرکات ۳۵- ضعف تدبیری یک نژاد و یا یک عضو ۳۶- اختلال در تفکر و قضاوت ۳۷- اختلال در احساسات و هیجانات ۳۸- اختلال در تأثیر و ادراک ۳۹- اختلاف زبان ۴۰- اختلاف نژاد و مشرب ۴۱- ترس ۴۲- تأثیر رنگها - ۴۳- جنون دروغ گوئی .

### خطاها و اشتباهات

بیشتر احساسات خارجی ما از طریق چشم و گوش است و این دو عضو همیشه در معرض خطاهای بیشماری بهمت نقص یا طرز ساختن آنها مشهود میگردد .

بینایی در نتیجه عبور نور از چلبدیه یا راجاجیه (Cristallin) که بشکل عدسی است و ترسیم در شبکیه (Rétine) چشم (که بوسیله عصب باصره بغض منتقل میگردد) صورت میگردد ولی در نتیجه تحذب کم و زیاد عدسی تصاویر بزرگ و کوچک نشان داده شده مثلا اگر عدسی را که طرفین آن معذب باشد جلوی چشم قرار دهیم اشیاء را بزرگ نمایش داده و اگر برعکس عدسی که دو طرف آن مقرر باشد جلوی چشم قرار گیرد اجسام را کوچک جلوه میدهد کوچک و بزرگی خاصیت عدسیها است شیئی مورد بینایی بزرگ و کوچک نبوده است .

اگر چوبی را بطور مایل در آب فرو بریم چوب بنظر منکسر باشکسته می آید این اشتباه همیشه در نتیجه انکسار نور بر طبق قاعده ازشیدس بما دست میدهد .

ته حوض یا استخر و یا دریاچه یک ربع عمق آن کمتر بنظر می آید در صورتی که اینطور نیست .

ماهگیران همیشه آن معلی را که بنظر آنان ماهی هست هدف قرار میدهند زیرا بنظر بالا نرمی آید در صورتی که در با این تر قرار گرفته است و هدف را همیشه بیابن مورد نظر قرار میدهند تا بتوانند ماهی را صید نمایند .

در شبکیه چشم تمام تصاویر معکوس می افتند و حال آنکه ما آنها را مستقیم بینیم این درک روی عادات است زیرا هم آنگ شدن تدبیری تاثیرات چشم با تاثیرات حواس ظاهری دیگر شخص را کم کم بستقیم تصور کردن تصاویر معکوس عادت میدهد .

اشخاصی که اصول و چپ هستند که آنرا (استرابیسم Strabisme) یا لوش (Louche) میگویند اشیاء را از نظر ساختاری بشم خود دوتا تصور نموده و حال آنکه یکی میباشد و این اشتباه از نظر ساختاری چشم آنان ایجاد میشود.

تشخیص رنگها بواسطه وجود مغروطات عصبی صورت میگردد و مرض دالتونیزم (Daltonisme) که نسبت به دالتون دانشمند انگلیسی میدهند عبارت از فقدان بینائی رنگ قرمز است. برای این قبیل اشخاص آلبالو و کیلاس بهیچوجه رسیده بنظر نمیآید. مضمیها علاوه بر کوری رنگ قرمز مبتلی بکوری رنگ سبز نیز میباشد این اشخاص نمیتوانند سوزن بان یا راهنمای راه آهن و یا کشتی بشوند تردیدی نیست که در نتیجه خطای حس باصره آنها در تشخیص رنگ سبز و قرمز منتهی بهلاکت جمعی خواهد شد.

اختلاف رنگها علتش کمی و زیادی شماره امواج در زمان معین میباشد چنانکه زیر و بی اصوات بسته بعمده ارتعاشات هوا میباشد حد اقل ارتعاشات اثر که شبکه چشم انسان را متاثر میسازد بالغ بر سیصد و پنجاه تریلیون موج در ثانیه است که رنگ قرمز تولید میشود و حداکثر امواج که محسوس واقع می شود در حدود هفتصد تریلیون موج است که رنگ بنفش پیدا می شود.

قرمز - بنفش - زرد - سبز - آبی - نیلی - نارنجی طیف شمس را تشکیل میدهند و چون این رنگها از تجزیه نور سفید آفتاب بدست میآید ترکیب آنها هم رنگ سفید را نتیجه میدهد و اگر بوسیله منشور نور آفتاب را نگاه کنیم تجزیه کاملا تحقق پیدا کرده و این هفت رنگ را مشاهده می نمایم. نیوتون انگلیسی روی قرصی از مقوا این هفت رنگ را بترتیب زیر که بنفش - نیلی - آبی - سبز - زرد - نارنجی و قرمز است ترسیم نموده و آنرا وسیله ماشینی تندمیکر خواند و نمایش رنگ سفید میداد.

در کوهستان واسطه صافی هوا و نبودن گرد و غبار تمام اشیاء نزدیکتر از فاصله حقیقی خود جلوه میکنند.

اگر از خیابان مشجری عبور نماییم بنظر میآید که دو طرف خیابان در یک نقطه بکدیگر داخل و تشکیل مثلثی میدهند این تصور از خطاهای حواس ما است.

اشخاصی که دارای لباس سفید و یا دستکش سفید هستند از لحاظ دست قوی تر و از لحاظ بدن چاق تر از دیگران بنظر میرسند بر عکس کسانی که لباس سیاه در بدارند این لباس آنها را کمی لاغر جلوه میدهد برای همین است که خطاطها و اسانیدر همیشه باقرادی که چاق هستند لباس سیاه توصیه کرده و باقراد لاغر لباس سفید میپوشانند.

رنگ آبی با انسان تاثیر سردی داده و بر عکس رنگ قرمز در انسان ایجاد حرارت مینماید برای همین است که زیر زمینها را برای نشستن در تابستان با کاشی آبی میپوشانند یا آب را در کاسه بدل چینی آبی مینوشند و در اروپا رسم است در بخارهای ذوباری شیشههایی برنگ قرمز مانند ذغال گذاشته را با پروروشن مینمایند که نمایش آتش را بدهد و در آنان کمی ایجاد گرمی نماید.

رنگ نارنجی ایجاد سرور و بهجت در انسان نموده و کلیه اطعمهای نشیمن را برای رفع خستگیهای حاصله از کار نارنجی مینمایند رنگ قهوه که رنگ ایجاد تمرکز قوای دماغی نموده و اطباق کار و دفتر را با این رنگ رنگ مینمایند.

رنگ قرمز تحریک اشتها کرده و موجب تهیج اعصاب نیز میشود و از این جهت اطباق نهارخوری را با این رنگ درمی آورند.

اشخاصی که مبتلا به برفان هستند و با ساتوین (جوهر گرم) استعمال کرده اند محیط و مشهودات خود را به رنگ زرد میبینند .

خورشید صبح و عصر بزرگتر از وسط روز جلوه میکند در اغلب بیابانها که سرابی بنظر میرسد چیزی نیست جز توهم بشر . فردی که یابند شہوات است هدف خود را چنانکه دیگران میبینند نمیبند بلکه در شخص باشعور محبوب نیکوئیها و زیبایی هائی ادراک میکند و در شخص و شیئی منفور بدیها و زشتی ها ملاحظه میکند که از نظر دیگران مستور است چنانکه وحشی هارم معروف میگوید :

### اگر بر دیده مجنون نشینی بغیر از خوبی لیلی نیمنی

در جوامع بشری افرادی پیدا میشود که اشیاء آرایش و یا گفتار زنان و مردان زیبا موجب تحریک اعضاء قناسلی آنان شده و با نتیجه اختلالی در دماغ و افکار و گفتار آنان پیدا گردیده و موازنه و اعتدال را از دست میدهند این قبیل اشخاص نباید در مقام شهادت نسبت بشاهد یادابر خود برآیند ( در زبان عربی شاهد به معنی معشوقه و دایر نیز آمده است ) و حافظ میگوید :

### شاهد آن نیست که موئی و میانی دارد

### بنده طلعت آن باش که آنی دارد

این مرض و جنون را فتی شیسیم (Fetichisme) میگویند .

اگر سنک ریزه در کف دست قرار دهیم و با دو انگشت وسطی و سیبیه دست دیگر روی هم سواز کرده با هر دو انگشت سنک را لمس کنیم در سنک ریزه ادراک خواهیم نمود زیرا سنک ریزه در سر انگشت دو اثر مینماید و چون در اثر وجود دو علت موثر است شخص اشتباهها و سنک را درک مینماید .

اگر شخصی ناظر بک جنایت باشد مثلا ببیند که فردی فرد دیگر را میکشد هر زندانی را که ببیند فوراً او را با قاتل اشتباه می کند این نکته اهمیت زیادی در اجرای عدالت دارد .

در سنه ۱۳۰۹ شخصی بنام محمود زنی را با دو بچه اش در قنات آباد در جلوی مادرش سر برید و متواری شد پس از آنکه اشخاص مظنون بقتل را دستگیر کردند و در بین زندانیان قرار دادند مادر مقتوله را بزندان بردند و باو گفتند که کدام یک از این زندانیها قاتل دختر شما است از هر دهنفر که میدید یکی دونه فر را در مقابل خود من که در این امر سمت دادستانی داشتم انتخاب می کرد و میگفت مانند سبزی است که دونه فر کرده باشند و روی همین اصرار بپرز مرد بیچاره بنام اکبر سلاخ مدتی زندانی و بازداشت شد و از احاطه احساسات بد مردم بی اندازد در زحمت بود تا قاتل واقعی که محمود بود بیداشد و پس از تعقیب بکفر اعمال خود رسید .

حکایت و وقایعی را که سه نفر تعریف میکنند از دهان سومی بصورت واقعه و تاریخچه دیگری درمی آید که با اولی خیلی فرق دارد .

هر کس که بپشمای تأثر میرود از جزئیات پیسی که بازیگران بازی میکنند میتواند مدت مدیدی عین آن پیس رز برای دیگران که نشنیده اند حکایت کند و لسی و رنگ و لباس بازیگران و نوع و سن و سالان و تزیینات آن که عمل باصره است فوراً محسوس شود و چیزی درمغز آنان باقی نمیماند .



همچنین بیانات خطیب و واعظ در گوش میبندد ولی رنگ و نوع لباس او ابداع و محافظه باقی نمیبندد و چشم آنرا بوانی فراموشی میفرستد .

توهم با تجسم خیال که آنرا هالوسیناسیون (Hallucination) می گویند همانطور که بعضی در رؤیا صور ذهنی خود را دارای حقیقت خارجی میدانند هنگام بیداری هم نسبت به خیالات خود همین حس را پیدا میکنند و اغلب اموات با هیاکل شیطان وغول و دیورا که مولود تغلیلات آنانست میبینند .

شنوائی در نتیجه اهتزاز امواج اثر بعمل می آید که متوجه پرده صماخ از گوش خارجی میشود و بوسیله استخوانهای کوچک بگوش داخلی میرسد و بالیاف کورتی (Corti) که بالغ بر سه هزار میشود مثل دیابازون آنرا مرتعش مینماید . اغلب افراد در نتیجه کسالت و عوارض حاصله این اهتزازات امواج درست وارد گوش داخلی شده و عمل خود را انجام نمیدهند و یا بواسطه سنگینی یک گوش نمیتوانند با بوی جهت صوت و یا شدت آنرا درک نمایند و بالتجربه در شنوائی آنان اشتباهات و خطاهائی ایجاد می شود .

پس از جنگ بین المللی یکی از روزهای تابستان بعد از ظهور غواصی در کنار دریاچه لوهنس (Loch ness) روی آب جسم عظیمی مشاهده میکنند که امواج دریاچه او را بالا و پایین میرود فردا قوه تغلیلات او تحریک شده و این منظره را جانور آدمخوار دریائی میدانند تمام افراد ساکنین اطراف دریاچه دچار این توهم می شوند و منعکس درجریاد داخلی و خارجی می گردد از هر طرف معبرین جراید و سیاحتان از امریکا و اروپا و افریقا و آسیا و استرالیا برای دیدن حیوان آدمخوار طرف اسکانلند مسافرت مینمایند مدارس اطفال را میبندند و مردم صبور و مرور را در کنار دریاچه تا مدتی قطع مینمایند و افکار دنیا را مدر چند ماه این توهم مشغول میسازد تا اینکه روزی یک نفر ماهیگیر میبیند که این توهم حیوان آدمخوار نبوده و دو بال طیانه بوده که در جنگ بین المللی اول در آب افتاده و امواج آنها را بالا و پایین میردند و بصورت جانور آدمخوار جلوه میداده است .

والتر رالی (Walter Raleigh) یکی از مورخین درجه اول انگلستان طرف توجه الیزابت ملکه انگلیس واقع شده و در عین حال مودخ مزبور نویسنده و دیپلمات و بحریما بود مامور جمع آوری و تدوین تاریخ عالم شد بضمنا به از طرف ملکه الیزابت صادر گردید که تمام اسناد موجوده در ارشوی امپراطوری را در اختیار او بگذارند تا بطور بی طرفانه و قطع و یقین تاریخ خود را بنویسد یک روز در برج لندن که در حال سکوت مشغول کار بود متوجه یک صدای خارجی شد عده ای را دید که نزاع می کردند و همدیگر را میزدند حس کنجگویی مودخ را وادار کرد از صر آن برج بیرون آید و خود شخصاً شاهد آن واقعه بود پس از گذشتن دو سه ساعت جرایدی روی میز خود دید و هر یک از آنها یک نحو آنرا شرح داده که با استماع بیانات دوستان و صحنه ای که در آن واقعه مشاهده نموده بود با اندازه متیان و مخالف یکدیگر بود که نتوانست نشابهی برای دو کوبنده یا مندرجات جراید قائل شود فردا از این منظره و اختلاف کومی ها عصبانی شده و نتایج زحمات نه ساله خود را در بخاری سوزاند و پیش خود می گفت واقعه که بیش از سه ساعت از آن نگذشته است اینقدر اختلاف کومی در آن وجود داشته باشد چگونه من میتوانم نسبت به تدوین تاریخ عالم آنهم نسبت بقرون گذشته قلمفرسایی و اظهار عقیده نمایم .

نسبیت - کلیه احکام و فضاوتهایی که ما مینماییم خواه چیزهایی که با حس ادراک می کنیم و خواه فضایی که با استدلال علمی و ریاضی با ثبات می سازیم همه نسبی است یعنی نسبت بحس و عقل که

داریم و نسبت بهعطی که در آن هستیم و نسبت بهحالت حرکتی که واجد هیباشیم تضادها و احکام مزبور آنطور است که مینماییم ولی هرگاه کسی دیگر در محیط دیگر باحالات دیگر در همان چیزی که ما مضبوط کرده ایم تضاد کند طور دیگر تضاد خواهد کرد و آنچه ما بااستدلال ریاضی ثابت نموده ایم برای اطرود دیگر ثابت خواهد شد .

**کوتاه شدن جسم** - جسم در حال حرکت همیشه در آن جهتی که حرکت میکند کوتاه می شود مثلا اگر از جهت پهنای حرکت نباید بهپایش کوتاه میگردد و اگر در جهت طول حرکت کند طولش کوتاه می شود زیرا دانه مرکزی اتم که آنرا پرتون خوانند در محیط خود الکترومانیکی ایجاد میکند و هلت کوتاه شدن اجسام ایست که هر جسمی از اتمها تشکیل یافته اگر چه ذرات جسم در نظر ما بهم پیوسته می آید ولی چنین نیست بلکه میان اتمها مسافتهایی است که نسبت بهجسم آنها دوری اتمها از یکدیگر بیک نسبت مساویست در نتیجه توازن دو قوه یکی قوه جاذبه میان اتمها و دیگری قوه دفعه که در نتیجه حرارت پدید آمده و می خواهد اتمها را از یکدیگر دور سازد فاصله اتمها و فضائی که در آن حرکت می کند همیشه بیک نسبت محفوظ میماند اما این توازن تا وقتی برقرار است که ذرهها ساکن باشند لکن هرگاه حرکت کنند باحرکت آنها سریعتر شود توازن قوا بهم می خورد و امواج الکترومانیکی پدید میشود و توازن جدیدی پیدا میشود و سرگواه شدن اجسام مربوط بهمین امواج است که در نتیجه حرکت یاسریع شدن حرکت بوجود می آید.

هرعضوی در نتیجه کار و فعالیت زیاد دچار خستگی شده و مبتلی به بیماری موسوم به Surmenage می شود و همچنین در نتیجه اختلال در ترشحات غددمترشحه داخلی درفهم و حواس انسان ضعف و توری حاصل میشود که نتیجتا ممکن است شخص را باشتباهات و خطاهای زیادی دچار نماید .

سندی علیه الرحمه حکیم سخنور ما در چند بیت این معنی را تشریح کرده است .

یکی برسید از آن گم کرده فرزند  
که ای روشن روان پیر خردمند  
ز مصرش بوی پیراهن شنیدی  
چرا در چاه کنعانش ندیدی  
بگفت احوال ما برق جهانست  
گهی پیدای دیدگر دم نهانست  
گهی بر طارم اعلی نشینم  
گهی تا پشت پای خود نه بینیم  
اگر در پیش بزرگ حال دانی  
سر و دست از دوعالم ب فشانیدی  
همه ای رسیدن بحقیقت را از طریق کشف و شهود دانسته و اکتساب اطلاعات دیگر را  
استرآن سمع و بصر میدانند چنانکه یکی از عرفا می گوید :

**علمی که نه کشفی و شهودی باشد** پیراست که استراق سمع و بصراحت  
و میگویند آن کسی که آئینه قلبش از هر گونه زنگار خباثت و ذرائل مزه باشد و در  
مقام تزکیه نفس بر آید قلب او بصورت جامجم درآمده و بهرحله کشف و شهود میرسد  
و این حالت را انطویسیون (Intuition) و یا ایلووناسیون ( Illumination )  
میگویند که خلسه و جذب یکی از این احوال میباشد . شیخ عطار جلال الدین رومی و جامی از  
سالکن این طریق بودند که بشاهده جلال و جمال و کمال مطلق نائل شده اند .

موضوع دیگر اینکه آنچه در حس نقش می‌شود از کسی که او را از دور می‌بیند فقط در مییابد که جسم است ولی نیز انسان و حیوان بودن آنرا نداده در این مورد آن شیئی یا شخص مشهود را شخص منشر گویند

### شهادت شهود در قانون آئین دادرسی مدنی ایران

از ماده ۴۰۶ الی آخر ماده ۴۲۵ قانون آئین دادرسی مدنی در مبحث چهارم رای طرز استماع گواهی گواهان و شرح و ردایان از طرف اصحاب دعوی و شرایط گواهان موادی بیش بینی شده ولی در هر حال تشخیص درجه ارزش و تأثیر گواهی بنظر دادگاه است و در لایحه قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۳۱ نیز هیچگونه تغییراتی در مواد نامبرده بالا داده نشده است .

و از ماده ۴۲۶ تا آخر ۴۳۵ در مبحث پنجم در مورد تحقیق محلی است که آئین در مورد گواهی است که ماده ۴۳۵ آن در لایحه اصلاحی اخیر راجع به هزینه تحقیق اصلاحی نموده است .

### شهادت شهود در قانون مدنی ایران

در قانون مدنی در باب دوم کتاب سوم از ماده ۳۰۶ تا آخر ماده ۳۲۰ راجع به موارد شهادت و شرایط شهود و سلب نبودن حق اداء شهادت تحت شرایط قانونی معین شده است قسمتهای مورد توجه در قانون مدنی این است که جز در مواردی که قانون استثناء کرده هیچگاه از عقود و ایقاعات و تعهدات که موضوع آن عین یا قیمتا بیش از پانصد ریال باشد نمیتوان فقط بوسیله شهادت شفاهی یا کتبی اثبات کرد و در این مورد هم کسی که مدعی است که بشهد شود عمل کرده یا بنحوی از انحاء قانونی بری شده نمی تواند ادعای خود را فقط بوسیله شهادت ثابت نماید و همچنین دعوای سقوط حق از قبیل پرداخت دین اقاله نسخ ابراء و امثال آنها در مقابل سند رسمی یا سندی که اعتبار آن در محکمه معزز شده ولو اینکه موضوع سند کمتر از پانصد ریال باشد و همچنین در مقابل سند رسمی یا سندی که اعتبار آن در محکمه معزز شده دعوی که مغالف با مفاد یا مندرجات آن باشد بشهادت اثبات نمیگردد ولی در پنج مورد این اصول جاری نخواهد بود

۱- در مواردیکه اقامه شاهد برای تقویت یا تکمیل دلیل باشد.

۲- در مواردی که بواسطه حادثه گسرفتن سند ممکن نشود از قبیل حریق - زلزله - سیل - غرق گشتی که مال خود را بدیگری سپرده و تحصیل سند برای صاحب مال در آن موقع ممکن نیست.

۳- نسبت بکلیه تعهداتیکه عادتاً تحصیل سند معمول نمیشود مانند اموالیکه اشخاص در مهمانخانهها و قهوهخانهها و کاروانسرا و مسافرخانهها یا سایر اشخاص میسپارند .

۴- در صورتیکه سند بواسطه حوادث غیر منظره مفقود و یا تلف شده باشد.

۵- در مورد ضمان قهری و امور دیگری که داخل در عقود و ایقاعات نباشد . شهادت این اشخاص پذیرفته نمیشود :

۱- محکوم بجزایات جنائی .

۲- محکومین به امر جنحه که محکمه در حکم خود آنها را از حق شهادت دادن در محاکم محروم کرده باشد .

- ۳ - اشخاص ولگرد و متکدیان .
- ۴ - اشخاص معروف بفساد اخلاق .
- ۵ - کسی که نفع شخصی در دعوی داشته باشد .
- ۶ - شهادت دیوانه در حال جنون .

شهادت باید از روی قطع و یقین باشد تباین و اختلافی بین شهادت شهود در موضوع شهادت وجود نداشته باشد و اگر شاهه از شهادت خود رجوع کند و معلوم شود برخلاف واقع شهادت داده است شهادت او ترتیب اثر داده نمیشود و شهادت بر شهادت در صورتی مسوع است که شاهه اصلی وفات یافته یا بواسطه مانع دیگری مثل بیماری و سفر و حبس نتواند حاضر شود .

### شهادت در اصول محاکمات جزائی ایران

در مبحث ششم از ماده ۱۳۹ الی آخر ماده ۱۶۰ اصول محاکمات جزائی برای احضار شهود و تحقیق المسلمین و استنطاق و تحقیق معلی اختصاص داده شده است و نیز از ماده ۲۴۳ تا آخر ماده ۲۴۹ در رسیدگی محکمه صلح نسبت بامور خلافی و جنحه‌های صغیره برای شرایط شهود و طرز استماع و جرح آنها پیش بینی شده است و همچنین در ماده ۳۲۵ و ماده ۳۲۹ الفوب در رسیدگی دادگاه جنحه برای استماع شهادت شهود تخصیص داده شده و از ماده ۳۸۳ تا آخر ماده ۳۹۹ در قسمت تحقیقات از شهود در محکمه جنائی اختصاص داده شده و در قرقه ۴ از ماده ۴۶۶ در اعاده محاکمه و تجدید نظر در احکام قطعی جزائی موکول بکشف شهادت جعلی که مبنای حکم بوده است قرار داده .

### شهادت شهود در قانون مجازات عمومی

از ماده ۲۱۵ تا آخر ماده ۲۱۹ در قانون مجازات عمومی برای افرادی که شهادت کذب در امور جنائی و جنحه و خلاف و امور اداری بدهند کیفر مقرر شده است .

### شهادت شهود در تنظیم اسناد و امور اداری

ماده ۵۰ قانون ثبت اسناد میگوید هر گاه مسئول دفتر دره بیت متعالمین یا طرفی که تمهد میکند تردید داشته باشد باید دونفر از اشخاص معروف و معتقد حضورا هوبت آنانرا تصدیق نموده و مسئول دفتر مراتب را در دفتر ثبت و با امضاء شهود برساند .

ماده ۵۱ در مورد ماده فوق شاهدی که یکطرف از اصحاب معامله او را معرفی مینماید نمیتواند معرف طرف دیگر واقع شود .

ماده ۵۲ وقتی که مسئول دفتر نتواند بوسیله شهود معروف و معتقد هوبت اشخاص را معین کند باید از ثبت نمودن سند امتناع نماید .

ماده ۵۸ شهود باید موثق باشند و علاوه بر این ورثه هوبت خود را ارائه دهند .

ماده ۵۹ شهادت اشخاص ذیل پذیرفته نخواهد شد .

۱- غیر رشید یا مسجور .

۲- کور یا گنگ .

۳- اشخاص ذینفع در معامله .

۴- خدمه مسئول دفتر .

۵- خدمه اصحاب معامله .

## شهادت در شریعت اسلام

در اسلام هم در امور حقوقی و هم در امور کیفری و هم در تنظیم اسناد شهادت شهود یگانه دلیل موثر برای اعتبار امور و قضایا بوده صفات معتبر شاهده در شریعت اسلام عبارت بود :

- ۱ - بلوغ .
- ۲ - کمال عقل .
- ۳ - ایمن .
- ۴ - عدالت .
- ۵ - انتقاء نهمت .
- ۶ - طهارت مولد .

شرطی که مافوق تمام این شرایط قرار گرفته اینست که شاهد موحد باشد جز حقیقت بجز دیگر توجه نداشته باشد دفع و بیم خوف چشم حقیقت بین او را کور ننماید یکی از شعرا ، موحد را چنین تعریف کرده است :

موحد چو در پای ربزی زرش چو شمشیر هندی نهی بر سرش

امید و هراسش نباشد ز کسی بر اینست بنیاد توحید و بی  
در اسلام شهادت تبرع یعنی کسی که بدون خواستن حاکم مبادرت بادی شهادت نماید مسوع نیست .

و همچنین شهادت سائل به کف یعنی کسی که تکلی را حرفه خود قرار داده است مورد قبول واقع نمیشود ؟

شهادت بمناسبت وقایع و موارد عده آنان قرق مینماید .

شهادت واحد را در امور زیرین قبول مینمودند :

شهادت قابله داریت مستهل یعنی طفل نوزادی که هنگام ولادت زنده زاییده شده که در این مورد کافی برای اثبات دزانت است و نیز شهادت واحد در مورد وصیت .

شهادت زنها در مورد بکارت نیز مسوع است .

شهادت يك مرد را در کلیه امور کافی میدانند .

شهادت دو زن در شهادت مقابل شهادت يك مرد بشمار میروند .

دو زنی محصنه اثبات آن بوسیله چهار مرد یا سه مرد و دو زن صورت میگیرد .

دو زنی غیر محصنه بوسیله دو مرد و چهار زن زنا ثابت خواهد شد .

علماء هر کدام احوال مختلفی نسبت بشهادت داشته اند بعضی اکتفاء به ظن متاخم نزدیک علم نموده اند ، بعضی دیگر قبول اکتفاء بمطلق ظن کرده اند بعضی را عقیده بدم کفایت ظن بود .

## روش قضائی در رسمت شهادت شهود در صدر اسلام

در فصل ششم از جزء دوم کتاب زیلت المجالس این حدیث مندرج است موفقی که شریح قاضی در کوفه نایب حضرت عقی علیه السلام بود زره حضرت کم شده بود بعد از چند روز تفحص آنرا در دست يك مرد یهودی دید و در مقام مطالبه برآمد یهودی دعوی حضرت را قبول ننمود و قضاوت این امر بشریح قاضی واگذار شد در موقع ورود حضرت بقاضی

گفت ای شریح من بچاکمه آدمم از جای خود برینیز زیرا در حضرت دادگاه تمام اصحاب دعوی تساوی الحقوق هستند مورد دعوی در دادگاه طرح گردید و حضرت برای اثبات مالکیت خود استناد بشهادت حسنین و مقدم نمود شریح شهادت حسنین را از لحاظ قرابت خویشاوندی با حضرت رد نمود و نیز شاهد واحد را برای اثبات دعوی کافر ندانست و فوراً حکم به رد دعوی داد کلبی از مشاهده اجزای عدالت در این کیش فوراً مسلمان شد و زره را به حضرت تسلیم نمود .

آیات زیادی در قرآن کریم نسبت بشهادت شهود در سوره های مختلفه بیش بینی شده ولی نسبت بتنظیم سند در سوره بقره آیه ۲۸۲ و ۲۸۳ که آیه اولی از بزرگترین آیات قرآنی است نسبت بتنظیم سند و حضور شهود و اعتبار آن بجهاتی که آنرا در حقوق فرانسه Temoin instrumentaire میگویند اشاره شده است که من این آیه را ذیلا درج مینمایم:

یا ایها الذین آمنوا اذا تداینتم بدین الی اجل مسمی فاکتوبوه ولیکتب بینکم كاتب بالعدل ولایاب کاتب ان ینکتب کما تملوه الله فلیکتب ولیملل الذی علیه الحق ولیتق الله ربه ولایبخی منه شیاء فان کان الذی علیه الحق سفیها او ضعیفا ان لا یتطیع ان یمل هو فلیمل ولیه بالعدل و استشهدوا شهیدین من رجالکم فان لم یکنوا رجلین فرجل و امراتان ممن ترضون من الشهداء ان تضل احدیهم افتذکر الاخری ولایاب الشهداء اذا ما دعوا ولا تسئموا ان تکتبوه صغیرا او کبیرا الی اجله فانکم اقسط عند الله واقوم للشهادة و ادنی ان لا ترتابوا الا ان تکتبوا حاضرة تدریونها بینکم فلیس علیکم جناح الا تکتبوهما و استشهدوا ان تبايعهم ولایضار کاتب ولا شهید و ان تعملوا فانه فسوق بکم و اتقوا الله و یعلمکم الله و الله بكل شیئی علیم .

آیه ۲۸۳ - وان کنتم علی سفر ولیم تجدر کاتباً فرهان مقبوضه فان اهن بعضکم بعضاً فلیؤد الذی ائتمن امانته ولیتق الله ربه ولا تکتبوا الشهادة و من ینکتهما کانه آثم قلبیه و الله بما تعملون علیم .

ای کسانی که ایمان آورده اید هر موقعی از کسی وام گرفتید که در موعد مبینی بپردازید عدل شما باید مسبق بنوشته باشد و آن سند بوسیله نویسنده عادل برشته تحریر در آورده شود و نباید در موقع تنظیم از اوامر و رعایت اصول متعلقه بتنظیم استناد سر بیچی نباید و بنویسد آنچه را که شما تقریر می شود بدون اینکه کسر و نقصانی داشته باشد و اگر صاحب حق مجنون و بیمار باشد این عمل باید بوسیله ولی و نماینده او بر طبق اصول عدالت صورت گیرد و نوشته با حضور دو گواه مرد و در صورت نبودن مرد با حضور یک گواه مرد و دو گواه زن تنظیم شود که در صورت فراموشی هر یک از آنها دیگران آنها را یاد آوری نمایند و گواهان نباید در موقع ادای شهادت از اظهار حقیقت خودداری کرده و بسا آنرا کم و بسا زیاد نمایند تا هر گز شبهه ای بکلی مرتفع گردد زیرا رعایت این اصل علاوه بر ازدیاد اعتماد بشهود موجب رضایت خداهم خواهد بود و اگر معامله و یا مبادله بین دو نفر بصورت معاملات

صورت گیرد دیگر نیازی به تنظیم نوشته و سند نبوده و نباید بدون جهت اسباب مزاحمت کاتب و گواهان را فراهم آورد و میباید باین امر یک نوع تردد معسوب شده و باید از خدا ترسیده زیرا خداوند آموزگار کل است و هر چیز واقف و آگاه میباشد .

و اگر دوسفر باشید و نویسنده برای تنظیم سند بدست نیارزید و ثابقی برای استیفاء حق خود از مدیون بگیریید و در حفظ امانات نهایت درجه کوشش را باید بخرج داد و از کتمان حقیقت امتناع ننمود زیرا مستنکف فاسد و بلایه معسوب شده و خداوند از کمونوات و احوال او کاملاً آگاه است .

### اجرای تعادل و ترجیح در شهادت

برای حل تمام این مشکلات دو قسمت دلایل باید قواعد یکی از ابواب علم اصول را که موسوم بتعادل و ترجیح است در نظر گرفت تا اینگونه مشکلات کاملاً مرتفع گردد .

تعادل عبارت از توادد دو دلیل است که من حیث الاستفاده متنافی الحکم باشد .

ترجیح عبارت است از وجود امارات قویه که در موقع ثبوت تعارض مقتضی یکی از دو دلیل شده و موجب قوت یکی از آن دو میگردد .

تعارض سه صورت درمیآید :

۱- تعارض دلیل قطعی برظنی .

۲- تعارض دو دلیل قطعی .

۳- تعارض دو دلیل ظنی .

دلیل قطعی بادلیل ظنی مورد تعارض نیست هر کجا دلیل قطعی موجود شد دلیل ظنی مرتفع است .

تعارض بین دو دلیل قطعی نیست زیرا مستلزم بهمک اجتماع نقیضین است چه آنکه تعارض بمعنای تنافی است و ممکن نیست قطع شود بدوامر متباین الحکم .

پس تعادل و ترجیح در مورد دلایل ظنی میشود و اگر دو دلیل ظنی معارض یکدیگر باشند باید رعایت تعادل و ترجیح را نمود و عمل بر رجحانات در باب ادله ظنیه مخصوص قضات و مفتی میباشد که در مقام فصل خصوماتند .

ظن بر دو قسم است :

۱- ظن صرف .

۲- ظن مقابل یقین .

ظن صرف عبارت است از حکم غیر جازم بر ترجیح یکی از دو طرف نقیض بر دیگری بانهویز طرف دیگر .

ظن مقابل یقین معرفتش موقوف است بر شناختن یقین که قنیه و بلکه آن است .

احراز یقین بستگی بتحقق سه شرط دارد :

۱- جازم بودن حکم .

۲- مطابق بودن آن با واقع .

۳- استناد حکم بعلمت و سبب آن .

پس هرگاه این سه شرط در حکمی موجود بشود آن حکم یقینی است و اگر این سه شرط در حکمی جمع نباشند آن حکم را ظنی خوانند .

چون در ظن ترجیح یکی از دو طرف لازم و معتبر است ترجیح معتبر است بوجرد مرجحات امور ذیل از مرجحات است :

- ۱- شهرت فیرحقیقی که برای این حکم حاصل شده است .
  - ۲- استناد حکم بیکی ازدانامندان واقراء باقوی .
  - ۳- استناد حکم بنهارب دیگران باقوی .
- باری در تمام شئون حیاتی و مخصوصاً قضاوت امور برای استراز از خطا و اشتباهات همیشه باید مفاد آیه ۱۳۸ سوره اسری را نصب‌العین خود قراردهیم تا از جاده حقیقت منحرف نشده و نزد وجدان خود خجل و شرمسار نباشیم .

ولا تقف ما لیس لك به علم ان السمع والبصر والفؤاد کل اولئك

گان‌عنه مسئولان

هیچ امری را بدون علم پیروی نکنید زیرا حس بینایی و شنوایی و قلب شما مسئول شما خواهند بود .  
از بسط مقال معذرت خواسته و توفیق خوانندگان را از خداوند مسئلت مینمایم .

محمد اعتضاد بروجردی

رهن

رهن مصدر است و جمع او رهان است و معنی او بطوریکه در مسالك و مصباح و غیره ذکر نموده اند حبس حق یا مالی است در مقابل مال یا دین یا حق چنانچه آیه شریفه «کل نفس بما کسبت رهینه» مؤید این معنی است و رهن بمعنی شرعی بطوریکه علامه مرحوم و سایر فقهاء فرموده اند «الرهن وثیقه الدین المرتهن» .

ایرادیکه صاحب جواهر مرحوم در تعریف مزبور نموده آنست که رهن خود وثیقه است و باید گفته شود رهن عبارت از حبس وثیقه است دیگر آنکه رهن مذکور است و وثیقه مؤنت و با هم مطابقت ندارد ولی بعضی ثناء وثیقه را ناقله دانسته اند نه ثناء تأنیت و در تشبیه قائل بمطابقت شده‌اند بحث تعریف رهن زیاد است که موضوع مقاله ما اقتضای ذکر آنها را ندارد .

فقهاء در تحقیق رهن گفته‌اند که محتاج بقصد و ایجاب و قبول است و در نتیجه معاطات را در رهن صحیح میدانند چنانچه علاوه در تذکره تصریح باین معنی نموده و بعضی معاطات را در رهن هم جایز دانسته و گفته اند که معاطات در رهن هم مثل معاطات در بیع صحیح است و دلیل آنها سیره عمل مسلمین است و فرقی که در معاطات رهنی و معاطات قائل شده‌اند آنستکه در معاطات رهنی الزام وجود ندارد و جایز است و در رهن عقدی بواسطه عقد و ادله اوفوا بالعهود عمل بآن لازم میباشد ولی نظر اکثر فقهاء آنستکه اصولاً معاطات در رهن صحیح نیست و قیاس آن با معاطات در معاملات عقدی، قیاسی مع الفارق است زیرا در